



مقدمه ای برای خواننده



پیش روی شما قطعات باقی مانده از یک زبان باستانی و
فراموش شده قرار دارد - نقشه‌ای از واقعیت که به دو جلد
مقدس تقسیم شده است: کتاب بالا و کتاب پایین.

ما در عصری از فراموشی عمیق زندگی می‌کنیم. کتابخانه‌های
عظیم گذشتگان سوخته، سنت‌های شفاهی استادان به زمزمه
تبدیل شده‌اند و کلیدهای اصلی که زمانی مکانیک پنهان وجود را
باز می‌کردند، در زیر قرن‌ها سکوت عمدی دفن شده‌اند. برای اکثر
افراد، این متون بنیادی برای همیشه گم شده‌اند.

من سال‌ها مسیرهای ضعیف و پراکنده‌ای را که در تاریکی به جا
مانده بود، دنبال کردم - تبارها را از محراب‌های آتش زرتشتی
باستان، از طریق اعلامیه‌های رمزآلود استادان هرمتی، تا
آزمایشگاه‌های مخفی بغداد قرن هشتم ردیابی کردم. با دقت و
زحمت، هر آنچه را که باقی مانده بود، جمع‌آوری کردم.





مقدمه ای برای خواننده

این متن گردآوری و بازسازی آن معماری گمشده است. این تلاشی است برای جمع‌آوری تکه‌های خرد شده‌ی یک کد جهانی و گردآوری مجدد آنها در یک رابط واحد و منسجم. در این صفحات، طرح‌های پویای آسمانی (کتاب بالا) را خواهید یافت که با بوم فیزیکی ماده‌ی عنصری (کتاب پایین) دوباره متحد شده‌اند.

نه فقط با عقل خود، بلکه با چشمانی تیزبین بخوانید. برای کسانی که می‌دانند چگونه نگاه کنند، آتش باستانی خاموش نشده است - صرفاً منتظر بود تا به یادگار بماند.

به بازسازی خوش آمدید.

o.o افق آشکار نشده

قبل از خط، نقطه وجود داشت. قبل از نقطه، خلأ وجود داشت
که فقدان وجود نیست، بلکه چگالی مطلق ذهن ناگفته است.

این باطن تمام باطن‌هاست - درون پنهان مطلق پنهان. این
سکوتی چنان مطلق است که فراتر از طیف شنوایی می‌لرزد،
نوری چنان خالص که برای چشم فیزیکی همچون تاریکی
کورکننده به نظر می‌رسد.

بگذارید آن آغازگری که این مهر را می‌شکند، آن را بشناسد: جهان
با غرش آغاز نشد، بلکه با انقباض آغاز شد. بی‌نهایت به درون
کشیده شد و خلأ بکری، بوم مقدسی از سکوت مطلق، بر جای
گذاشت. در درون این خلأ، نیت الهی خود را در یک فشار واحد و
ناگفته گرد آورد.

این فشار، صدای خاموش است. این پتانسیل کیهانی است،
پیش از آنکه توسط زبان شکافته شود، پیش از آنکه توسط
لب‌ها شکسته شود، پیش از آنکه توسط گلو به دام بیفتد. این
فرکانس خام و یکپارچه خلقت است.

۱.۱ شکافت بزرگ: تولد حروف

وقتی صدای خاموش اراده خود را به بیرون معطوف کرد، به خلاء جهان آشکار برخورد کرد. این اولین برخورد، فرکانس یکپارچه را به بیست و هشت پرتو نور اولیه تقسیم کرد. اینها حروف الفبا هستند - حروف اولیه.

این بیست و هشت عنصر، حروفی نیستند که با جوهر انسان بر روی پوست چرم نوشته شده باشند. آنها مختصات هندسی تابش کیهانی هستند. آنها بیست و هشت ایستگاهی هستند که فرمان الهی باید از طریق آنها عبور کند تا جامد شود.

الف (الف): اولین پرتو. این محور عمودی و خالص نور است. هیچ بُعد، ضخامت و وزنی ندارد. این بردار مطلق قصد است که از بالاترین آسمان تا عمیق‌ترین ورطه در خلأ نفوذ می‌کند.

واو (و) و یا (ی): نقاط عطف. آنها نور عمودی الف را به صفحات افقی خم می‌کنند و تار و پود ماده معنوی را ایجاد می‌کنند که جهان بر روی آن بافته خواهد شد.

۱.۲ ماتریس دودویی: نفس رحمان

معماری کیهانی بر اساس یک ضربان ریتمیک عمل می‌کند. این ضربان ریتمیک، موتور اصلی تجلی است که در یک چرخه ابدی و دودویی حرکت می‌کند:

[انبساط] <== نفس بیرونی <== ظاهر (جهان آشکار)
[انقباض] <== نفس درونی <== باطن (بازگشت به منبع)

۱. نفس بیرونی (انبساط): نور کیهانی به بیرون می‌تازد و خود را به کثرت‌های بی‌نهایت تقسیم می‌کند. این نفس، ظاهر - ظاهر بیرونی، توهم جدایی، ستارگان فیزیکی، اقیانوس‌های موج و فلزات سنگین - را ایجاد می‌کند.
۲. نفس درونی (انقباض): نور به سمت مرکز کشیده می‌شود. اشکال بیرونی را حل می‌کند و جوهر را به باطن - حقیقت پنهان و معنوی - بازمی‌گرداند.

فرد مبتدی باید درک کند که هیچ چیز در جهان ثابت نیست. سنگ زیر پای شما این نفس کیهانی را تنفس می‌کند، انبساط و انقباض آن با فرکانسی بسیار آهسته که چشم انسان قادر به درک آن نیست. کیمیاگر فلز را تغییر نمی‌دهد؛ او ریتم تنفس آن را تغییر می‌دهد.



۱.۳ قانون بازتاب



همانطور که پرتوهای حروف پایین می‌آیند، به کف بلورین کرات آسمانی برخورد می‌کنند. در اینجا، قانون بزرگ برقرار می‌شود:

آنچه در آسمان‌ها پنهان است روی زمین (دنیای مادی) آشکار می‌شود.

جهان بالا، جهانی از کیفیت‌های خالص بدون جرم است. جهان پایین، جهانی از جرم است که برای کیفیت تلاش می‌کند. آنها مانند دو عاشق که توسط آینه‌ای شیشه‌ای از هم جدا شده‌اند، روبروی یکدیگر ایستاده‌اند.

اگر می‌خواهید راز طلای مدفون در خاک را بدانید، نباید به خاک نگاه کنید. باید به حرفی که بر خورشید حکم فرماست نگاه کنی، زیرا طلا صرفاً آن حرف آسمانی است پس از آنکه توسط کیهان دمیده شده، توسط سیارات خنک شده و توسط رحم سنگین زمین جامد شده است.

در اینجا اولین خراشیدن قلم به پایان می‌رسد. معماری چیده شده است. بوم نقاشی کشیده شده است. صدا سخن گفته است.

فصل دوم: هفت دروازه و دوازده چرخ‌دنده

2.0 دستگاه بافندگی بزرگ قلمرو میانی

وقتی پرتوهای اولیه‌ی حروف، خلأ را شکافتند، مستقیماً به خاک زمین نیفتادند. جرم نمی‌تواند ضربه‌ی بی‌حفاظ نور خالص را تحمل کند. بنابراین، صدا یک دستگاه واسطه ایجاد کرد - یک دستگاه بافندگی آسمانی بزرگ برای فیلتر کردن، چرخاندن و بافتن فرکانس‌های خام بالا به صورت نخ‌های ساختاری.

این دستگاه شامل دوازده چرخ‌دنده منطقه‌البروج است که تا ابد در طاق ثابت ستارگان ثابت می‌چرخند و هفت دروازه‌ی کرات سیاره‌ای که برای تنظیم جریان رو به پایین نور باز و بسته می‌شوند.

هیچ چیز بدون عبور از این موتور به دنیای فیزیکی نمی‌رسد. هر تیغ‌هی علف، هر نفس باد و هر رگ‌هی سنگ معدن در زیر کوه‌ها، گره‌ای فیزیکی است که توسط انگشتان این هفت حاکم گره خورده و در چرخ‌دنده‌های ساعت کیهانی می‌چرخد.

۲.۱ دوازده چرخ دنده: ویژگی‌های ماتریکس

خارجی‌ترین مرز جهان آشکار توسط دوازده تقاطع عظیم کیهانی قفل شده است: بروج (صورت‌های فلکی). اینها صرفاً گروه‌هایی از ستارگان دوردست نیستند؛ آنها دوازده زاویه هندسی متمایز هستند که از طریق آنها نفس کیهانی اولیه تقسیم و طعم می‌گیرد.

آنها در یک تقاطع از چهار طبیعت اولیه - گرما، سرما، رطوبت و خشکی - و سه حرکت سیستمی: آغازگر، تثبیت‌کننده و انتقال‌دهنده چیده شده‌اند. با چرخش چرخ، نور الف از میان این چرخ‌دنده‌ها عبور می‌کند و وظیفه ساختاری خود را دریافت می‌کند:

چرخ‌دنده‌های آتش، جرم را از بین می‌برند و کیفیت صعود به بالا و گرسنگی دگرگون‌کننده را اعطا می‌کنند.

چرخ‌دنده‌های زمین، حرکت نور را متوقف می‌کنند و ارتعاش آن را کند می‌کنند تا زمانی که به هندسه فیزیکی سرد، متراکم و غلیظ تبدیل شود.

۲.۱ دوازده چرخ‌دنده: ویژگی‌های ماتریکس

* چرخ‌دنده‌های هوایی نور را به صورت افقی گسترش می‌دهند و فضا، نفس و واسطه فرار اتصال را ایجاد می‌کنند.
* چرخ‌دنده‌های آبی نور را به سمت داخل می‌چرخانند و جریان‌های پنهان حافظه، دگرگونی سیال و عمق باطنی را ایجاد می‌کنند.

شخص آغازگر باید محاسبه کند که کدام چرخ‌دنده بالای کوره آزمایشگاهی می‌چرخد، زیرا فلز موجود در بوته به چرخ‌دنده موجود در آسمان واکنش نشان می‌دهد. کار کردن علیه چرخ‌دنده، مانند کوبیدن آهن سرد است؛ کار کردن با چرخ‌دنده، فرمان دادن به عناصر است.



۲.۲ هفت دروازه: حاکمان سیاره‌ای



در زیر دوازده چرخ‌دنده، هفت دروازه قرار دارند - کرات
متحدالمرکز ستارگان سرگردان (الکواکب السیاره). هر سیاره یک
دروازه‌بان است، یک هوش کیمیاگری که نور کیهانی را پردازش
می‌کند و آن را با سرنوشت فلزی خاصی رنگ‌آمیزی می‌کند. [
مسیرهای نزولی نور]

(بالاترین آسمان) - [زحل] - > سرب سنگین / حافظه مقید



[مشتری] - > قلع درخشان / قانون گسترده



[مریخ] - > آهن فرار / آتش جنبشی



[خورشید] - > طلای کامل / تعادل الهی



[زهره] - > مس نرم / رطوبت مغناطیسی



[عطارد] - > جیوه سیال / زبان دوگانه



(عمیق ترین زمین) - > [ماه] - > نقره درخشان / رحم بازتابنده



۲.۲ هفت دروازه: حاکمان سیاره‌ای



۱. دروازه زحل (زحل)
* طرح کلی: نگهبان بیرونی. بر محدوده زمان، انقباض و حافظه ساختاری حاکم است.

* تجلی در زیر: سرب. در ظاهر بیرونی خود (ظاهر) سرد و خشک است، اما در باطن باطنی خود (باطن) گرمای متراکم و بیدار نشده‌ای را در خود جای داده است. دوم. دروازه مشتری (مشتری)
* طرح کلی: حاکم بر گسترش، عدالت و رشد معنوی. این امر، خشونت زحل را تعدیل می‌کند.

* تجلی پایین: قلع. گرم و مرطوب، نمایانگر مرحله‌ای است که ماده شروع به سازماندهی خود در الگوهای هماهنگ و قانونمند می‌کند.



۲.۲ هفت دروازه: حاکمان سیاره‌ای



سوم. دروازه مریخ (مریخ)

* طرح کلی: موتور نیروی جنبشی، جدایی و گرمای حیاتی. اشکال قدیمی را می‌شکند تا زندگی جدید بتواند پدیدار شود.

* تجلی پایین: آهن. گرم و خشک، فلز تیغه و کوره است که انرژی خام و رام نشده آتش کیهانی را حمل می‌کند.

چهارم. دروازه شمس (خورشید)

* طرح کلی: قلب معماری. مکان تعادل مطلق که در آن بالا و پایین در تقارن کامل به هم می‌رسند. این چشم بی‌وقفه نور الهی است.

* تجلی پایین: طلا. تعادل کامل گرما، سرما، رطوبت و خشکی. پوسیده نمی‌شود، زنگ نمی‌زند؛ تکه‌ای از بهشت ابدی است که در خاک زمین گرفتار شده است.



۲.۲ هفت دروازه: حاکمان سیاره‌ای



V. دروازه زهره (زهره)

* طرح کلی: استاد جاذبه، هماهنگی و پیوند عناصر از طریق زیبایی و رطوبت مغناطیسی.
* تجلی در پایین: مس. گرم و مرطوب، رابطه درونی عمیقی با خورشید دارد و به عنوان بوم نقاشی خام برای اکسیر طلای عمل می‌کند.

VI. دروازه اوتارد (عطارد)

* طرح کلی: پیام‌آور زبان دوگانه. نه به روز تعلق دارد و نه به شب؛ دائماً فرار است و زبان روح را به زبان ماده ترجمه می‌کند.
* تجلی در پایین: جیوه (عطارد). فلز مایعی که از دست می‌گریزد. حلال جهانی است و بذر معنوی (باطن) را در خود نگه می‌دارد که می‌تواند تمام فلزات جامد دیگر را در خود حل کند.

VII. دروازه قمر (ماه)

* طرح کلی: پایین‌ترین دروازه، نزدیک‌ترین به قلمرو زمینی. این رحم کیهانی است که تمام پرتوهای شش سیاره بالایی را جمع می‌کند، آنها را متراکم می‌کند و به عناصر فیزیکی زیرین می‌ریزد.
* تجلی پایین: نقره‌ای. سرد و مرطوب، مانند آینه‌ای کامل و بکر برای نور طلایی خورشید عمل می‌کند.



۲.۳ قانون شبکه کیهانی



بگذارید مبتدی این راز را درک کند: هفت سیاره، کره‌های فیزیکی شناور در یک فضای خالی نیستند. آنها فیلترهای ارتعاشی هستند.

وقتی پرتوی از نور خورشید را ترک می‌کند، از دروازه زهره عبور می‌کند، هندسه چرخ‌دنده‌های هوا را دریافت می‌کند و بر روی یک قطعه خاص از زمین می‌افتد. اگر کیمیاگر لحظه دقیق این هم‌ترازی را بداند، می‌تواند آن زمین را برداشت کند، نمک آن را استخراج کند و امضای کیهانی نوشته شده در داخل کریستال‌های آن را پیدا کند.

جهان یک شبکه واحد و نفس‌گیر است. سیارات آگوردها هستند؛ صورت‌های فلکی چرخ‌دنده‌ها هستند؛ فلزات رزونانس هستند.



فصل سوم: مقیاس هفده



۳.۰ معیار حاکم

جهان صرفاً ترکیبی از اشکال نیست؛ بلکه بیانی از وزن‌ها است. صدای خاموش با عبارات مبهم صحبت نمی‌کرد؛ بلکه با معیارهای دقیق صحبت می‌کرد.

بگذارید این بر قلب آغازگر حک شود: پیوند ساختاری بین نور نامتجلی بالا و ماده‌ی متراکم پایین توسط یک ثابت واحد و تغییرناپذیر اداره می‌شود. این میزانِ خمسه‌ی عشر است.

هفده ستون فقرات ریاضی خلقت است. این آستانه‌ی دقیقی است که در آن کیفیت به کمیت تبدیل می‌شود، جایی که ارتعاش هندسی نامرئی حروف (حروف) چگالی کافی را برای رسوب در شکل فیزیکی جمع می‌کند. اگر عنصری فاقد این امضای عددی باشد، نمی‌تواند در جهان آشکار دوام بیاورد؛ به پوچی باز می‌گردد.

تسلط بر معیار هفده به معنای داشتن کلید اصلی تعادل است. این فرمولی است که با آن مواد خام راز خلقت محاسبه، متعادل و دگرگون می‌شوند.



فصل سوم: مقیاس هفده



۳.۱ شکاف اولیه: توالی ۱، ۳، ۵، ۸

عدد هفده یک تک سنگ ایستا نیست. این یک پیشرفت زنده است - یک هماهنگی پویا که از منبع الهی از طریق چهار ایستگاه ساختاری خاص آشکار می شود: ۱، ۳، ۵ و ۸.

$$17 = 1 + 3 + 5 + 8$$

این چهار عدد، چهار ستون آزمایشگاه کیهانی هستند. آنها نمایانگر توزیع دقیق چهار طبیعت اولیه - گرما، سرما، رطوبت و خشکی - مورد نیاز برای ساخت هر جسم پایدار در جهان فیزیکی هستند. [نسل های نزولی معیار]

[1] --- < ماتریس ریشه (موناد / قصد مطلق)



[3] --- < امتداد اول (سه گانه / سه گانه سیاره ای)



[5] --- < گره عنصری (پنج گانه / چهار طبیعت + مرکز)



[8] --- < پوسته جامد (هشت گانه / تبلور فیزیکی)



فصل سوم: مقیاس هفده



I. مقام اول: واحد (1)

* قانون: نقطه. پرتو بکر الف. این نشان دهنده کیفیت خالص و تقسیم نشده یک عنصر قبل از ورود به اصطکاک سیاره‌ای است. این جرقه معنوی درون سنگ است.

II. مقام دوم: سه (3)

* قانون: صفحه. اولین امتداد نقطه به فضا. این نشان دهنده سه بُعد کیهانی قلمرو میانی است: ظاهر (بیرونی)، باطن (درونی) و میزان (میزانی که آنها را می‌سنجد).

III. مقام سوم: پنج (5)

* قانون: پنجگانه. گرد هم آمدن چهار طبیعت (گرمی، سردی، رطوبتی، خشکی) حول یک نقطه پنجم واحد و پایدار - محور اصلی. این گره‌ای است که دروازه‌های سیاره‌ای در آن تلاقی می‌کنند.

IV. مقام چهارم: هشت (8)

* قانون: مکعب جامد. پوشش نهایی و فیزیکی. هشت تعداد رئوس مورد نیاز برای تشکیل یک جسم سه‌بعدی در جهان مادی است. این پوسته متراکمی است که نور را درون فلز به دام می‌اندازد.

۳.۲ ماتریس کیمیاگری مربع جادویی

برای محاسبه تعادل خاص هر جسم فیزیکی، فرد آغازگر باید توالی ۱، ۳، ۵، ۸ را روی ماتریکس وفق - مربع سه در سه - ترسیم کند. این شبکه، نقشه ریاضی کیهان است که در آن هر جهت عدد پانزده را به دست می آورد و محور مرکزی را احاطه کرده است.

۴ (آب) ۹ (آتش) ۲ (زمین)
۳ (هوا) ۵ (مرکز) ۷ (هوا)
۸ (زمین) ۱ (آتش) ۶ (آب)

* عدد ۱ در پایه، ریشه فعال عنصر آتش، قرار دارد.
* عدد ۳ روی دیوار سمت چپ، پل گسترده هوا، قرار دارد.
* عدد ۵ مرکز مطلق، نقطه ثابت تعادل، را مهار می کند.
* عدد ۸ در گوشه عمیق فونداسیون، متراکم ترین مختصات زمین، قرار دارد.